

## مردم‌شناسی فرهنگی

مردم‌شناسی را انسانی ترین رشته علوم انسانی شمرده اند و بیراه نیست اگر مردم‌شناسی فرهنگی را سرآمد شاخه های گوناگون مردم‌شناسی بخوانیم زیرا این دانش با ژرفترین لایه های ذهن گروهی ما سر و کار دارد. بدین رو کوتاهترین تعریف این دانش را می توان چنین بیان کرد:

«مردم‌شناسی فرهنگی دانشی ست که انگیزه رفتارهای گروهی انسان مدرن در بستر اعتقادات جمعی ایشان را بررسی می کند و وامی کاود»

به دیگر سخن چرا جماعتی چنین یا چنان می کنند و بنیاد این چنین و چنانها چیست موضوع این دانش است. برای نمونه شناخت انگیزه مردمی فرهیخته که سدها دانشمند و فیلسوف و هنرمند و مانند آن به جهان پیشکش کرده اند در پیروی سر و پا نشناخته از دار و دسته نازیها چه بود؟ چرا مردی تُنک مایه رهبر بیچون چنین مردمی شد؟

یکی از دانشهایی که به این پرسشها پاسخ می دهد مردم‌شناسی فرهنگی ست. یکی از بُنهای پژوهش در این زمینه یافتن آن چیزی ست که به آن نمونه بنیادی یا سرمونه\* می گوییم. برای همین هست که کارل گوستاو یونگ که در همه سالهای چیرگی نازیها با ایشان در ستیزی پیگیر بود می نویسد: با هیتلر نمی شد درافتاد چون وی به تنهایی یک ملت بود! یعنی هیتلر با نمونه بنیادی یا سرمونه نهان در ناخودآگاه گروهی\* \* آلمانها همپوشانی داشت.

پس می توان دانش مردم‌شناسی فرهنگی را در سو دادن توده مردم هم به کار برد، سازنده یا ویرانگر. همچنانکه می توان واکنشهای گروهی ایشان را درباره پدیده ها یا جریانها پیشاپیش برآورد کرد. ازینرو پژوهشهای این دانش پدیده های پیوسته به ساختارهای اجتماعی، زبان، قانون، سیاست، تاریخ، روانشناسی، دین، آیینها، هنر، جادو، افسونها و فن آوریها. در بر می گیرد. دانشهایی نیز که افزون بر مردم نگاری به مردم‌شناسی فرهنگی یاری می رسانند چنین اند؛

استوره شناسی، تاریخ، ادب، زبانشناسی، روانشناسی ژرفا.

\*Archetype

\*\*Collective subconscious